

ابعاد حقوقی - اجتماعی اشتغال فارغ التحصیلان رشته حقوق با توجه به قانون برنامه سوم توسعه

چکیده

فارغ التحصیلان رشته حقوق، به طور جدی، نگرانی‌هایی در مورد وضعیت اشتغال خود در اجتماع دارند. افزایش سریع شمار فارغ التحصیلان این رشته دانشگاهی، با توجه به توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور ضرورت اتخاذ تدابیری منطقی را برای این گروه از فارغ التحصیلان، بیش از پیش نمایان ساخته است. در این مقاله، با نگرش به مفاد ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۲، سعی و تلاش خواهد شد، کاربرد این ماده در خصوص این دسته از فارغ التحصیلان مورد ارزیابی تاریخی و انتقادی قرار گرفته و با توجه به ابعاد حقوقی و اجتماعی مسأله، نتیجه‌ای راهبردی و واقعی از مجموع مباحث مطروحه در مقاله، بیان شود.

کلید واژگان:

اشتغال فارغ التحصیلان رشته حقوق - وکالت و مشاوره حقوقی فارغ التحصیلان حقوق.

۱. مدرس دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس بخش فرهنگی و روابط عمومی کانون وکلای دادگستری استان خراسان.

۲. در متن مقاله جهت رعایت اختصار از «قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با حروف اختصاری «ق. ب. ت. ا. ا. و. ج. ا. ا.» و از «آئین نامه اجرایی ماده یکصد و هشتاد و هفت» با حروف اختصاری «آ. ا. م. ۱۸۷» یاد خواهد شد.

مقدمه

اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته حقوق - که شمار آنان اندک نیز نیست - یکی از موضوعات مهم اجتماعی ما به شمار می‌رود. با گسترش روزافزون مقاطع تحصیلی دوره‌های کارشناسی حقوق در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، شمار فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان این رشته نیز فزونی یافته است.

در این میان، پرسشی که همواره مطرح، و مورد توجه دست‌اندرکاران دولتی و مملکتی در امر اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی بوده از این قرار است: چه راه کارهایی، متضمن بهترین روش‌های جذب و به کارگیری این دسته از فارغ‌التحصیلان در مشاغل و حرفه‌هایی است که به رشته «حقوق» مربوط می‌شود؟

با تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی، فتح باب جدیدی در زمینه چگونگی فعالیت این دسته از دانش‌آموختگان را شاهد و ناظر بوده‌ایم و طبیعی است که مفاد ماده یاد شده، واکنشها و برداشتهای مختلفی در سطح کشور و از نگاه اقشار گوناگون، اعم از مسؤولان مملکتی، حقوق‌دانان به ویژه قضات و وکلای دادگستری و بالجمله، سایر صاحبان حرف و مشاغل وابسته را به دنبال داشته است.

اخیراً انتشار آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷، به بسیاری از ابهامها و پرسشها پایان داد: قوه قضائیه به دنبال اجرای این ماده است.

پژوهش حاضر، می‌کوشد با نگاهی کارشناسانه و به دور از هرگونه شائبه احساساتی بودن، به طور خلاصه و به صورت فشرده، اهم ابعاد حقوقی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از اجرای این ماده را مورد بررسی و امعان نظر قرار دهد؛ زیرا عبارات مندرج در ماده مورد بحث و آیین‌نامه اجرایی آن از لحاظ حقوقی جالب توجه بوده و مناسب است در این زمینه، کنکاش بیشتری معمول شود. این مقاله، موضوع تحقیق و پژوهش را در قالب پنج مبحث زیر مورد بررسی قرار می‌دهد: بررسی ماهیت و نقش قوانین توسعه و بازسازی و ایجاد تحول در نظام قضایی کشور (مبحث نخست)؛ مطالعه اجمالی و فشرده سیر تصویب مقررات ناظر به امر «وکالت» و مشاوره حقوقی در ایران (مبحث دوم)؛ نگرشهای گوناگون نسبت به موضوع وکالت در محاکم دادگستری (مبحث سوم)؛ بررسی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و

آیین‌نامه اجرایی آن (مبحث چهارم)؛ و سرانجام مبحث پایانی که جمیع نکات پیش گفته را مورد بازبینی و جمع‌بندی قرار داده و به «نتیجه‌گیری» اختصاص یافته است (مبحث پنجم). بی‌گمان، وجیزه حاضر، کاستیهایی دارد و ممکن است برخی موضوعات مرتبط، از نظر پنهان مانده باشد. تلاش این تحقیق، آن است که اذهان علاقه‌مندان به دانش حقوق را به سوی لزوم مطالعه و تدقیق بیشتر در اکناف و اطراف موضوع، معطوف نماید و در این باره، می‌توان نکات اصلاحی متعددی بر این پژوهش افزود و به همین منظور، خوانندگان محترم، با دیده‌ی اغماض نسبت به این کاستی‌ها خواهند نگریست و البته چنانچه تذکراتی به نظر رسد، قطعاً باب تحقیق و نقد گشاده خواهد بود.

اضافه کنیم که قسمت پایانی ماده ۱۸۷، متعرض کارشناسان رسمی دادگستری - که لزوماً فارغ‌التحصیل رشته حقوق نیز نیستند - شده است و در این مقاله، سخن اصلی درباب مسائل و جوانب ناظر «حقوقیین» است و لاغیر. بنابراین، بررسی آثار اجرایی و حقوقی ماده در خصوص کارشناسان رسمی دادگستری، می‌تواند موضوع مقاله‌ی جداگانه دیگری باشد.

مبحث نخست: بررسی ماهیت و نقش قوانین توسعه و بازسازی و ایجاد تحول در نظام قضایی

کشور

یکی از شیوه‌های مرسوم قانون‌گذار در پاره‌ای از کشورهای جهان، تصویب قوانینی موسوم به قوانین «برنامه توسعه»^۱ است. معمول است که برنامه‌های درازمدت و اساسی که سرلوحه تصویب قوانین جزئی‌تر خواهند بود، در قالب برنامه‌های ده یا پنج یا سه ساله تدوین می‌شوند^۲ و دولت‌ها موظفند در صورت تصویب چنین قوانینی، از چهارچوب تعیین شده در قانون برنامه عدول

۱. Development Plan

۲. تعداد سالهای برنامه به نظر طراحان و محتوای برنامه‌ها بستگی دارد. از دیدگاه حقوق اساسی نیز باید گفت که علی‌القاعده اختیار وضع و پیش‌بینی مقرراتی معمولاً در قانون اساسی ذکر و به آن اشاره می‌شود. به طور نمونه، در قسمت اخیر اصل ۳۴ قانون اساسی کشور فرانسه چنین می‌خوانیم:

«Des Lois de programme determinent les objectifs de l'action economique et social de L'Etat».

نکنند و لوایح گوناگون در طول اجرای قوانین برنامه، همواره بر طبق همان الگوی درازمدت به قوه مقننه پیشنهاد شوند^۱.

پس از وقوع انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی، مبادرت به وضع سه قانون برنامه پنجساله نموده و در راه تدوین برنامه‌های درازمدت گامهایی برداشته است. برنامه اول توسعه در ۶۸/۱۱/۱۱، برنامه دوم در ۷۳/۹/۲۰ و سرانجام برنامه سوم در ۷۹/۱/۱۷ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است.

در این برنامه‌ها، موضوعات مهمی از زوایای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان و خرد توأمأ مورد توجه و امعان نظر جدی قرار گرفته است. از جمله موضوعات و مسائلی که محور گفت‌وگوی قوانین برنامه پیشگفته قرار گرفته، مسائل قضایی و بالجمله نظام دادگستری و قضایی کشور می‌باشد و چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار، یکی از ابزارهای مهم برای ترسیم یک نظام قضایی مطلوب را تدوین برنامه‌های درازمدت دانسته است؛ برنامه‌ای که در یک نگاه کاربردی و راهبردی، بتواند از لحاظ محتوایی، مقررات و الزامات ویژه‌ای را برای اصلاح سیستم قضایی به ارمغان آورد.

اینک، پرسشی مبنایی، فرا روی ماست: دیدگاه‌های برنامه‌های توسعه از آغاز تاکنون، نسبت به امور قضایی چه بوده است؟ و به طور واضح‌تر باید به این مسأله پاسخ دهیم که قوانین برنامه، درخصوص موضوع «وکالت» و «مشاوره حقوقی» چگونه حکم رانده‌اند؟

به استناد عبارات مندرج در قوانین پیشگفته می‌توان به پرسش فوق چنین پاسخ

گفت:

تسهیل دسترسی مردم به دادگاهها و مراجع قضایی، تسریع در رسیدگی به دعاوی کیفری و حقوقی و ... مطروحه در دادگاهها و به طور کلی یافتن راههایی برای

۱. به موجب قانون اساسی کشور ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی حق رایه «طرح»هایی را که منشأ تصویب قانون می‌گردند دارا هستند، (اصل ۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و طبیعتاً در صورت رایه طرح نمایندگان باید همچون لوایح دولت چهارچوب اصلی معینه در قانون قوانین برنامه را مرعی دارند.

توسعه و تقویت نظام قضایی، از اهم این نکات به شمار می‌رود و مواد مختلفی در قوانین برنامه اول، دوم و سوم توسعه از این نکات سخن به میان آورده‌اند.

و اما، در زمینه بحث حاضر، که موضوع «وکالت» در محاکم دادگستری و مشاوره حقوقی به وسیله فارغ‌التحصیلان رشته حقوق می‌باشد، در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوب ۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، صرفاً ایجاد نظام منسجم و فعال ارشاد و معاضدت قضایی تحت عنوان «اهداف کلی» مورد اشاره واقع شده است و سخنی بیش از این به صورتی که صراحتاً متعرض امر وکالت و مشاوره حقوقی گردد، دیده نمی‌شود.

برخلاف برنامه اول، قانون‌گذار در برنامه دوم و سوم نکاتی را در بخشهای مختلف قانون، ملحوظ نظر قرار داده که حائز اهمیت و قابل تعمق به نظر می‌رسد و ظاهراً مبنای تدوین مواد مورد بحث، اتفاق نظر دولت و مجلس در لزوم ذکر این نکته‌ها می‌باشد.

از جمله مهمترین خط‌مشی‌های اساسی تعیین شده در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوب ۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، بند ۱۳ از بخش دوم قانون مرقوم می‌باشد که اتفاقاً ذیل عنوان «خط‌مشی‌های اساسی» به رشته تحریر در آمده است. عبارات زیر بیانگر یکی از دیدگاه‌های قانون‌گذار در باب مسائل قضایی و مهم است: «... ایجاد نظام منسجم و فعال در معاضدت قضایی نظیر فعال ساختن دواير ارشاد، تقویت آموزشهای قضایی، قانون و کلا و کارشناسان رسمی و پزشکی قانونی به منظور حفظ حقوق مردم». همچنین بند سیزدهم مذکور، «تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کاری» را از طریق توسل به «تقویت قانون و کلا»، امری عملی و امکان‌پذیر دانسته است.

بدین ترتیب، اهتمام قانون‌گذار به توسعه کانونهای وکلای دادگستری و مآلاً لزوم تأسیس کانونهای وکلا به تعداد مورد نیاز جامعه، به معنی حمایت مقنن از تضمین حقوق و آزادیهای فردی و تسهیل دسترسی مردم به وکلای ذی صلاح دادگستری و مورد تأیید کانونهای وکلا به شمار می‌آید و از لحاظ حقوقی به نظر می‌رسد، تدوین کنندگان قانون برنامه دوم توسعه امکان فعالیت کانونهای مختلف در سطح کشور را بستری مناسب برای بهبود رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در دادگستری فرض کرده و وجود چنین کانونها و انجمنهای صنفی را فرصت مغتنمی برای آحاد

سکنه ایران به منظور استفاده از راهنماییها و نظریات مشورتی مشاوران حقوقی و وکلای متخصص و متبحر در رشته حقوق (پس از طی یک دوره کارآموزی و برگزاری آزمون اختبار شفاهی و کتبی و موفقیت در این مراحل، قادر به دفاع از حقوق آنان نزد محاکم دادگستری و سایر مراجع باشند) دانسته‌اند و بد نیست بدانیم که در راستای نیل به اهداف قانونی یاد شده، کانونهای وکلای مستقل تشکیل و در حوزه‌های مختلف قضایی مشغول به کار شده‌اند و وظایف قانونی خود را در راه ارائه خدمت به مردم به انجام می‌رسانند^۱.

در برنامه سوم توسعه، موضوعات اجتماعی مهم و اساسی دیگری مطمح نظر دولت به عنوان تقدیم کننده لایحه، و مجلس به عنوان تصمیم گیرنده و ارزیاب لایحه پیشنهادی، قرار گرفته است: اشتغال جوانان، و دانش آموختگان و به خصوص فارغ التحصیلان حقوق؛ به عبارت دیگر اگر مبنا و ریشه اصلی تصویب قانون برنامه را مورد نظر قرار دهیم، بی گمان یکی از مبانی اصلی، موضوع اشتغال در معنای وسیع کلمه بوده است. از مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس در باب ماده ۱۸۷ قانون ب.ت.ا. و ف. ج.ا.ا، با در نظر گرفتن مبنا و ریشه اصلی که در بالا بدان اشاره شد^۲، مستفاد می‌گردد که «دسترسی مردم به مؤسسات مشاوره حقوقی»، «حمایت مردم مستضعف برای استفاده از وکیل در دعاوی مربوط به آنها»، «توسعه و کالت پایه پای توسعه قضایی و دستگاههای قضایی» هدف غایی از تصویب این ماده بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. از جمله این کانونها عبارتند از: کانون وکلای دادگستری استان خراسان، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان و سایر کانونهای وکلای دادگستری کشور.
۲. موضوع اشتغال، امری جدی و دارای ابعاد و آثار مختلف حقوقی و اجتماعی جامعه امروز ما به شمار می‌رود و همواره به زبانها و طرق گوناگون مورد ارزیابی و بررسی صاحب نظران قرار می‌گیرد. به طور نمونه ر.ک به سخنان مشاور وزیر کشاورزی در امر بودجه و طرح و برنامه‌ریزی و نماینده سابق رشت در مجلس شورای اسلامی که اعلام داشته است: «... ایران ۵ تا ۶ میلیون بیکار دارد و باید برنامه‌ها را به این سو سوق داد که علاوه بر تأمین اهداف برنامه سوم در ایجاد فرصتهای شغلی اعلام شده زمینه را برای ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال فراهم کرد، البته پیش‌بینی دورنمای جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ را که گفته می‌شود به صد میلیون نفر می‌رسد نباید از نظر دور داشت (روزنامه قدس، مورخ چهارشنبه ۱۳۸۰/۱/۲۲، سال چهاردهم، شماره ۳۸۲۲).

آنچه مسلم است، نقش ویژه‌ای است که قوانین برنامه توسعه در اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارا می‌باشند. به دلیل همین نقش ویژه، توجه دقیق به آثار اجرایی و حقوقی عبارات مندرج در یک ماده قانونی، از اوجب واجبات است.

نظر به این که قوانین برنامه توسعه، علاوه بر بیان موضوعات کلان مملکتی، در مواردی به ذکر احکامی جزئی تر و در عین حال بنیادی پرداخته‌اند، رسالت عظیم تری بر دوش نویسندگان قانون سنگینی می‌کند و اصلح به نظر می‌رسد همواره دقت نظر خاصی مطمح نظر طراحان قانون باشد.

به طور خلاصه، از بررسی قوانین برنامه مصوب مجلس شورای اسلامی می‌توان قائل بر این نظر بود که جهت‌گیری مبنایی و بنیادی در تدوین مقررات مذکور، از نظر اجتماعی و حقوقی، دارای ویژگیهای متفاوتی بوده است: قانون‌گذار در راستای توسعه کانونهای و کلاهی دادگستری، بر لزوم تقویت نهاد کانون و کلا به عنوان یک مؤسسه مستقل و به لسان حقوقی، شخصیت حقوقی حقوق خصوصی - که به حکم قانون، تکالیف ویژه‌ای از دیدگاه حکومت و دولت بر عهده اوست و برخوردار از پاره‌ای امتیازات اشخاص حقوقی حقوق گردیده - تأکید نموده و از سویی دیگر، با وضع مقرراتی درباره امکان جذب و به کارگیری فارغ‌التحصیلان حقوق، معضلی به نام اشتغال تعداد زیادی از دانش‌آموختگان رشته حقوق را مورد امعان نظر جدی قرار داده است. جویندگان کار دانش‌آموخته حقوق را که در دانشگاههای مختلف دولتی و خصوصی تحصیل کرده‌اند و امکان جذب و استخدام تمامی آنان در دستگاههای قضایی و اجرایی و دولتی وجود ندارد و به دلیل سیاستهای جدید استخدامی دولت، باید تدابیر ویژه‌ای اندیشیده می‌شد و به همین منظور این دسته از افراد را از حیث دست‌یابی به فرصت شغلی مورد توجه قرار می‌دهد، اما این که بهترین و منطقی‌ترین راه و روش رسیدن به این مهم، چگونه می‌تواند باشد، موضوعی اساسی است و در این زمینه دیدگاهها و نظرات مختلفی وجود دارد^۱.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: زاخری، زین‌العابدین: «استقلال کانون و کلا و لایحه برنامه سوم توسعه» روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۷۶ مورخ پنج‌شنبه ۱۳۷۸/۸/۲۷، ص یازده. نویسنده مقاله اخیرالذکر، ضمن اشاره به فلسفه و علت تشریح ماده ۱۸۷ وظایف صنفی کانونهای و کلا را بر شمرده از لحاظ عملی و از دیدگاه بین‌المللی انتقاداتی بر نحوه انشاء و اساساً مسأله تصویب ماده وارد ساخته است. نکته جالب توجه دیگر این که به نظر نویسنده مقاله یاد شده تصویب ماده مرقوم «وضع و ترتیب و کالت را به حالت وضعیت ۶۳ سال قبل بر می‌گرداند. یعنی صدور پروانه

حتی می‌توان گفت که جهت‌گیری برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. به شرحی که بیان گردید، در تقابل و تضاد به نظر می‌رسد و شاید بتوان چنین گفت که دو موضوع مهم با همدیگر خلط شده است: لزوم توسعه کانونهای و کلا به منظور کمک به نظام قضایی و نیز مردم نیازمند به خدمات و کلا از یک سو و اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته حقوق از سویی دیگر، دو موضوع جداگانه است که در برنامه سوم، از راه تسهیل اشتغال فارغ‌التحصیلان این رشته، دامنه فعالیت کانونهای و کلا محدود و یک نوع فعالیت موازی با فعالیت کانونهای و کلا به قوه قضائیه سپرده شده است و این موازات عمل، مآلاً موجودیت کانونهای و کلا را در پرده ابهام باقی خواهد گذاشت.

مبحث دوم: مطالعه اجمالی سیر تصویب مقررات ناظر به امر «وکالت»^۱

و «مشاوره حقوقی» در ایران

تا پیش از سال ۱۲۸۶ شمسی، پاره‌ای از افراد به عنوان وکیل، امکان حضور در محاکم عرفی و شرعی آن روزگار را می‌یافتند، ولی هیچ‌گاه حرفه و پیشه اصلی آنان، اشتغال به شغل «وکالت» به معنی آنچه امروز مصطلح و مرسوم گردیده، نبوده است. نخستین مقررات و الزاماتی که در باب وکالت، احکامی را حائز می‌باشد، قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۱۲۹۱ شمسی است و به نظر همین قانون و کلا به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند. وکیل رسمی دارای شغل وکالت شناخته می‌شد لکن فعالیت وکیل غیررسمی، به شکل اتفاقی صورت می‌پذیرفت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در سال ۱۲۹۴ شمسی، وزارت دادگستری، احراز شغل وکالت را به موجب فرمانی، منوط به موفقیت در یک آزمون دانست. در سال ۱۳۰۶ شمسی، عنوان وکیل غیررسمی از درجه اعتبار

وکالت را به وزارت عدلیه واگذار می‌کند، با این تفاوت که در قوانین موجود، اصل «وکالت» بوده و مشاوره فرع آن و در ماده ۱۸۶ (منظور ماده ۱۸۷ ق.ب.ت. است) اصل مشاورت حقوقی است و وکالت تابع آن...». همچنین نویسنده دیگری را عقیده بر آن بوده است که استفاده بنگاههای معاملات ملکی از مشاوران حقوقی جهت کاهش دعاوی ثبتی و املاک، ضرورت داشته و پیشنهاد کرده‌اند الزاماتی برای این بنگاهها به وجود آید و از این رهگذر برای اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق نیز چاره‌اندیشی شود.

۱. در خصوص نگرشهای گوناگون نسبت به «وکالت» در مبحث بعدی نکات افزون‌تری ذکر خواهد شد.

ساقط اعلام شد و صرفاً وکلای رسمی اجازه حضور در محاکم را یافتند و طبیعتاً با وضع مقررات انتظامی جدید، بایستی بر فعالیت آنها نظارت می‌شد. همین قانون، نیز مقرر می‌دارد که وکلا از لحاظ حضور در محاکم دارای محدودیت هستند و در بخشی از دادگاههای آن زمان اجازه فعالیت پیدا نمی‌کردند. سابقه تأسیس «کانون وکلای دادگستری» نیز به سال ۱۳۰۹ باز می‌گردد: کانون وکلا به عنوان یکی از بخشهای زیر نظر وزارت دادگستری حیات حقوقی یافت و البته ریاست آن با وزیر دادگستری بود.

در سال ۱۳۱۴ شمسی، به موجب قانون علی‌حده‌ای وکلای دادگستری مدرج و در این درجه‌بندی به پنج درجه تقسیم گردیدند. تشکیلات کانون نیز که جزئی از مجموعه وزارت دادگستری دانسته می‌شد از هیأتی مرکب از پنج تا دوازده عضو تشکیل می‌شد که برای مدت دو سال به انجام وظیفه می‌پرداختند و رئیس کانون هر محل، از سوی وزارت عدلیه به این سمت منصوب می‌شد.

در سال ۱۳۱۶ شمسی، با تصویب قانون دیگری در امر وکالت، وکلا به سه درجه تقسیم شدند؛ و اعطای درجات، تابعی از سوابق قضایی و شرایط هر فرد بود.

وفق مقررات مدرج در همین قانون، کانون وکلای دادگستری، عملاً نهاد و مؤسسه‌ای تحت نظارت دادگستری تلقی می‌شد: شروط لازم برای اخذ مجوز وکالت، موارد ممنوعیت از وکالت، شرایط تأسیس کانون وکلا در هر محل، شناسایی شخصیت حقوقی کانون، وظایف کانون، وظایف حقوقی وکلا، تخلفات و کیفرهای انتظامی آنان، در مواد مختلف این قانون قید گردیده است.

کانون وکلا، اگرچه دارای شخصیت حقوقی شده بود ولی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل محسوب می‌شد^۱.

مهمترین قانون مربوط به حرفه وکالت دادگستری، قانون «استقلال کانون وکلای دادگستری» مصوب ۱۳۳۴/۱۲/۵ است. استقلال کامل کانون وکلا، تشکیلات جدید کانون از جمله مهمترین احکام مقرر در این قانون به شمار می‌رود.

۱. آیین‌نامه این قانون در تاریخ ۱۳۱۶/۳/۱۹ به تصویب رسیده است.

بدین ترتیب، وزارت دادگستری و در واقع «دولت»، مستقیماً تأثیری در روند فعالیت این مؤسسه ندارد، بلکه مقررات ویژه‌ای در باب فعالیت، وظایف و تشکیلات آن حاکم می‌باشد، و دادگاه انتظامی و کلا پس از صدور کیفر خواست از سوی دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری به انحاء گوناگون، ابزار کنترل کننده و کلا، محسوب می‌گردد.

البته، از حیث شیوه حضور و کلا در محاکم، مقررات دیگری نیز تصویب و اجرا شده‌است؛ از آن جمله می‌توان به باب دوم از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵ (ماده ۵۸ به بعد) اشاره نمود. زاویه دید و نوع نگرش حاکم بر موضوع «وکالت» دادگستری در سالهای مختلف، هیچگاه یکسان نبوده است و به تدریج، این نگرش، دستخوش تحولاتی گردیده است.

به طور مثال، بند الف ماده ۶ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری^۱ مصوب ۱۳۶۳ شورای سابق عالی قضایی مقرر می‌داشت: «وکیل، باید از بین وکلای یکی از دادگستری انتخاب و تعیین شود» یعنی مراجعین به دیوان عدالت اداری، در صورتی که بخواهند از وکیل استفاده جویند، به حکم بند الف مذکور صرفاً باید از طریق تمسک به وکلای دادگستری مبادرت به این امر نمایند.

نظر به این که به موجب ماده ۲۵ «قانون تشکیل دیوان عدالت اداری»، آیین‌نامه‌های خلاف قانون و خلاف شرع، با شکایت و اعتراض هر کس در «هیأت عمومی دیوان عدالت اداری» مورد بازبینی و بررسی قرار می‌گیرد و در صورت احراز این موضوع، به موجب رأی هیأت عمومی دیوان مرقوم، ابطال می‌گردد، لذا بند الف این ماده حسب شکوائیه مطروحه در دیوان، طی رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۴/۶۶ مورخ ۶۸/۸/۱۶ ابطال گردید^۲. از این رو افرادی که دارای پروانه وکالت دادگستری نیستند، می‌توانند با تنظیم سند رسمی نزد یکی از دفاتر اسناد رسمی، اختیارات لازم را در متن سند رسمی درج کنند و به احقاق حقوق موکل اقدام ورزند.

۱. قانون تشکیل دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۶۰ تصویب و پس از آن نیز اصلاحات و الحاقاتی به آن افزوده شده است.

۲. برای آگاهی بیشتر از ابعاد حقوقی وظایف دیوان عدالت اداری ر.ک به: هاشمی، سیدمحمد: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی (جلد دوم) انتشارات مجمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵، ص ۵۲۲.

این تصمیم هیأت عمومی دیوان، در نوع خود بدیع و تازه به شمار می‌رفت، زیرا حیطه فعالیت و کلای دادگستری را به شکل چشمگیری محدود و مضیق می‌ساخت. افزون بر نکته فوق، نمونه دیگری نیز قابل ذکر است: «قانون انتخاب و کیل توسط اصحاب دعوی» مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مقام رفع اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، با حکم خاصی به صورت تلویحی و ضمنی، صرفاً به الزام دادگاهها به پذیرش و کیل اشاره شده و از شرایط و کیل، هیچ سخنی به میان نیاورده و حتی در مورد دادگاه ویژه روحانیت، ترتیب انتخاب و کیل را به طریق خاصی مورد پیش‌بینی قرار داده است^۱، که با مقررات وضع شده قبلی، تفاوت دارد. به نظر می‌رسد، در این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، از همان تفکر حاکم بر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، پیروی و متابعت شده و ذکر قیود دیگری برای تعیین اوصاف و کیل، لازم و ضروری به نظر نرسیده است^۲. به هر تقدیر، از جمیع مصوبات قانونی و مقررات پیش‌گفته مستفاد می‌شود که نهاد «وکالت» به مفهوم مصطلح امروزی آن در کشور، به دلیل دخالت روز افزون دولت در روابط فیما بین دادگاهها و کلای دادگستری از یک سو و روابط حقوقی و کلای دادگستری و موکلین آنان از سوی دیگر به تدریج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده و قواعد حاکم بر آن، سرچشمه خود را از قواعد آمره «حقوق عمومی» می‌گیرند. به رغم وضع و تصویب مقررات جدیدی که به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد، اساساً موضوع دخالت دولت در امور وکالت که از مباحث مهم قابل بحث در رشته آیین دادرسی مدنی است، گویای این واقعیت است که قواعد حقوقی ناظر بر وکالت، ذاتاً از شکل قبلی بیرون آمده و موضوعی از موضوعات مربوط به رشته حقوق عمومی است، با این وصف که حکومت و دولت، پاره‌ای از این دخالتها را به صورت غیرمتمرکز اعمال می‌نماید.

۱. تبصره یک ماده واحده قانون فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب و کیل دارند. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می‌کند تا از میان آنان به انتخاب متهم وکیل انتخاب گردد».

۲. می‌توان گفت، با عنایت به مقررات مخصوص و معینی که در زمینه وکالت دادگستری به تصویب رسیده و در حال اجرا بوده است، اساساً نیازی به تصریح وجود نداشته و از نظر مجمع، مخاطب قانون‌گذار، جز وکیل دادگستری موضوع دیگری نبوده است.

در پایان این مبحث، به دلیل اهمیت توجه به نهاد وکالت و مقررات ناظر بر آن، مصوبه مورخ ۱۳۴۰/۳/۱ هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز را مورد اشاره قرار می‌دهیم؛ به موجب این مصوبه: «وکلائی می‌توانند عنوان مشاور حقوقی اختیار نمایند که لااقل ده سال سابقه و اشتغال به وکالت پایه یک داشته باشند. مشروط بر آن که لااقل پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد»^۱. ملاحظه می‌شود که در ترتیبات مذکوره، حتی اطلاق لفظ مشاور حقوقی با احتیاط ویژه‌ای مورد نظر اعضای هیأت مدیره کانون وکلا قرار گرفته است^۲ تا از سوء استفاده افراد متخلف جلوگیری شود و در نظر نبوده که پیشه «مشاوره حقوقی» در بدو امر به افرادی که سابقه وکالت و حضور در محاکم دادگستری را به اندازه کافی ندارند، اختصاص داده شود.

مبحث سوم: نگرشهای گوناگون نسبت به مسأله وکالت در محاکم دادگستری

از آنچه در مباحث پیشین گفته شد می‌توان نگرشها و دیدگاههای مربوط به وکالت را که در متون قانونی نیز انعکاس یافته‌اند و موجد حق و تکلیف برای همه سکنه و اتباع ایران می‌باشد، در سه دسته زیر خلاصه کرد:

۱: وکالت «عقد» است و به موجب احکام و مقررات مندرج در قانون مدنی، به ویژه ماده ۶۵۶ به بعد آن قانون، انجام هر امری که قانوناً بتوان آن را به دیگری تفویض نمود، در چهارچوب عقد مزبور قابلیت تفویض دارد.^۳ مؤید این ادعا، رأی شماره ۴/۶۶

۱. دکتر جعفری لنگرودی، سیدمحمدجعفر: دانشنامه حقوقی، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۷۵، ص ۶۳۶.
 ۲. از دیدگاه حقوق تطبیقی نیز می‌توان مثالهای فراوانی در زمینه اهمیت جایگاه شغل وکالت در اجتماع اشاره نمود و جوامع مختلف جهان، معمولاً الزامات عدیده‌ای برای چگونگی فعالیت وکلای دادگستری عضو کانون مقرر داشته‌اند. برای آگاهی بیشتر خوانندگان محترم، به کتاب «رفتار حرفه‌ای وکلای دادگستری» ترجمه دکتر محمدعلی نوری اشاره می‌شود که توسط انتشارات کتابخانه گنج دانش به طبع رسیده و متضمن مقرراتی است که وکلای کانادا به دلیل حساسیت پیشه وکالت باید از این مقررات تبعیت نمایند.

۳. ماده ۶۵۶ ق.م. مقرر می‌دارد: وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود نماید. برای مطالعه بیشتر ر. ک به دکتر کاتوزیان، امیرناصر: قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۴۳۷-۴۵۰ و منابع مهمی که در این کتاب آورده شده است و

مورخ ۶۸/۸/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در سطور پیشین به آن اشاره شد. یادآوری می‌شود که ورود به مباحث جزئی‌تر از حوصله این مبحث خارج به نظر می‌رسد: بحث جایز بودن عقد و کالت و آثار حقوقی ناشی از آن، عدم تأمین شغلی و کیل مدنی در حقوق ایران، و نحوه تنظیم و کالت‌نامه‌ها در دفاتر اسناد رسمی و به ویژه مسأله اشتراط عدم عزل و کیل و... سایر موضوعات مرتبط دیگر^۱.

۲): و کالت، با عنایت به تغییر شکل چشمگیر جامعه امروز بشری، فقط یک عقد به شمار نمی‌رود و امروزه به صورت یک امر نهادین، محتاج مراقبت و محافظت خاصی از سوی قانون‌گذار و مجریان مصوبات قانونی است و برای بهتر شدن کیفیت ارائه خدمات و کلا و افرادی که به عنوان و کیل دادگستری فعالیت می‌کنند، وضع مقررات ویژه و تأسیس نهاد معینی که امر آموزش، رهبری و نظارت بر فعالیتهای آنان را مورد امعان نظر قرار دهد، امری اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود. به همین منظور برای تأمین امنیت شغلی و کلا و همچنین نظارت بر فعالیت آنان حتی به تشکیلات قضایی صنفی معینی احتیاج دارد، تا هر دو هدف فوق مورد لحاظ واقع گردد. مؤید این ادعا نیز تمامی قوانین و مقرراتی است که در جهت شناسایی استقلال کانون و کلاهی دادگستری تصویب و به موقع اجرا گذاشته شده است.

از منظر طرفداران این نظریه، تأمین و تضمین حقوق افراد به ویژه در برابر تعرضات احتمالی دستگامهای دولتی و اجرایی و یا نحوه استنباط از قوانین توسط قضات و محاکم مراجع قضایی و مراجع اداری و غیره، مستلزم یک تشکیلات منسجم با نظامات صنفی خاص می‌باشد و بدون وجود آن، نظام قضایی کشور، امکان ارائه خدمات قضایی

نیز بنگرید به: دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، چاپ اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹، صص ۳۵۴-۳۶۴.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: السنهوری، عبدالرزاق احمد، عقد و کالت از کتاب الوسیط، ترجمه دکتر حسینقلی حسینی‌نژاد، چاپ اول زمستان ۱۳۷۲ و همچنین مقاله‌ای با نام «آیا استعلام بقای و کالت ضروری است؟» نوشته‌ی آقای بهمن رازانی که در ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، سال چهارم و دوم، دوره دوم، شماره پنج، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷ در صفحات ۶۲ تا ۹۷ به زیور تحریر آراسته گردیده است.

بهینه را از دست خواهد داد. به همین لحاظ، در پاره‌ای قوانین، شغل و کالت، از مشاغل هم‌سنگ و هم‌عرض با شغل قضا دانسته شده است^۱.

۳: نگاه دیگری نسبت به موضوع و کالت نیز وجود دارد که دأب اصلی آن، امکان فعالیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق با استفاده از جواز قانونی صادره از سوی مراجع ذی‌ربط در قوه قضائیه است: صدور پروانه و کالت و مشاوره حقوقی با نظارت قوه قضائیه، یعنی همان چیزی که مبنای تصویب ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. و آیین‌نامه اجرایی آن بوده است^۲.

از این منظر، نهاد و کالت نیز نهادی است که در چهارچوب یک نظام صنفی صرف نگریسته نمی‌شود. بلکه حاکم تحت ضوابطی، افرادی که حائز شرایط مقرر به عنوان وکیل و مشاور حقوقی مورد شناسایی قرار داده و اجازه اقامه دعوی به و کالت از اشخاص حقیقی و حقوقی و یا دفاع از حقوق اشخاص نامبرده را به آنان اعطا می‌کند.

این طرز تلقی، معلول عوامل اجتماعی مختلفی بوده و از جمله آن علل و عوامل، تلاش برای رفع معضل اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق و همچنین به تعبیر برخی طرفداران این نظریه «... شکستن انحصار کانون و کلا...» شمرده شده است.

افزون بر این، اساساً از منظر این دیدگاه حمایت حقوقی از افراد جزء وظایف قوه قضائیه دانسته شده و تمهیداتی که برای تحقق این مقصود اندیشیده شده به همین دلیل بوده است.

بنا به مراتب یاد شده سه دیدگاه فوق‌الاشعار، هر یک ادله‌ای برای اثبات نظر خود ارائه نموده‌اند که به جهت خودداری از اطاله کلام از ذکر جزئیات آن صرف نظر می‌شود.

۱. تبصره ۳ ماده واحده «قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» - که قبلاً در سطور پیشین شرح آن گذشت - مقرر می‌دارد: «وکیل در مقام ایفاء وظایف و کالت از تأمینات شغل قضا برخوردار است».

۲. برای آگاهی از چگونگی تقابل و تعارض دیدگاه طرفداران نظریه دوم و سوم بنگرید به: دکتر آقازاده رودسری کانون وکلای استیلا یا استقلال، روزنامه همشهری، شماره ۲۲۹۳ سال نهم مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۴ و پاسخ این مقاله که در صفحه ۱۵۶ تا ۱۶۱ مجله کانون وکلای دادگستری شماره ۳ (فروردین ماه ۸۰) و به وسیله هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز مشروحاً مورد نقد قرار گرفته است.

مبحث چهارم: بررسی ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. و آیین‌نامه اجرایی آن

الف: متن ماده و تحلیل حقوقی آن:

متن ماده ۱۸۷ از این قرار است: «به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام کند. حضور مشاوران مذکور در محاکم دادگستری و ادارات و سازمانهای دولتی و غیردولتی برای انجام امور و کالت متقاضیان مجاز خواهد بود. تأیید صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری نیز به طریق فوق امکان‌پذیر خواهد بود. آیین‌نامه اجرایی این ماده به تصویب ریاست قوه قضائیه خواهد رسید». با عنایت به صدر ماده، اعمال حمایت‌های حقوقی، تسهیل در ارائه خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، هدف اصلی از ایجاد مؤسسات مشاوره حقوقی است که از طریق تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده امکان‌پذیر دانسته شده است. صرف‌نظر از این که موضوع و کالت و مشاوره حقوقی با موضوع «کارشناسی رسمی» به طور توأم مورد خطاب قانون‌گذار قرار گرفته و از آن‌جا که خلط این دو مقوله به دلیل تفاوت عمیق از وظایف شغلی و کلا و کارشناسان رسمی امری خلاف اصل به نظر می‌رسد، لکن چنین به نظر می‌آید که با تصویب و اجرای این ماده مراجعه به قوه قضائیه تحت عنوان وکیل و مشاور حقوقی منوط به اخذ تأییدیه صلاحیتی از سوی قوه مزبور خواهد بود و با توجه به مفاد ماده ۱۹۹ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. که مقرر می‌دارد: «اجرای کلیه قوانین مغایر با این قانون در طول اجرای این برنامه متوقف اعلام می‌گردد»، حداقل نتیجه جمع دو ماده، این خواهد بود که در دوره پنج‌ساله اجرای قانون برنامه، استفاده از لفظ «مشاور» حقوقی مستلزم داشتن تأییدیه بوده و از نظر ظاهر عبارت ماده ۱۸۷ که مطلقاً به «تأیید صلاحیت» فارغ‌التحصیلان حقوق اشاره نموده چنین استنتاجی، دور از انتظار نخواهد بود. به زبان دیگر قانون‌گذار بر این نظر بوده که مقررات مذکور در این ماده و شیوه جدید اعطای مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی در طی سالهای

اجرای برنامه پنج‌ساله جایگزین نحوه صدور پروانه بر طبق روال موردنظر در قوانین پیشین باشد و شاید بتوان گفت که با وجود ماده ۱۹۹ ق.ب.ت.ا.ا. وف.ج.ا. به گونه‌ای نسخ ضمنی مورد لحاظ واضعین قانون واقع شده است و البته این شیوه متخذه توسط مجلس شورای اسلامی، در روش قانون‌گذاری مرسوم نمی‌باشد و از آن‌جا که ذکر «توقف کلیه قوانین مغایر» عبارتی بسیار کلی است، چنانچه در پایان برنامه حکم دیگری مبنی بر تنفیذ مفاد این ماده از سوی مقنن وضع نگردد، تمامی موارد مغایر مجدداً به حالت قبلی و اعتبار سابق خود باز خواهد گشت و حال آن‌که بنابر آنچه در مبحث نخست بیان گردید، مبنای وضع مقررات برنامه‌های توسعه تعیین راهکارهای بلندمدت و راهبردی برای جمع شئون ضروری زندگی مردم است و دولت برای تعیین یک مسیر صحیح، اصولی و منطقی مبادرت به طرح‌ریزی این برنامه‌ها می‌نماید. به هر تقدیر، روش یاد شده حداقل از لحاظ فن قانون‌نویسی مواجه با اشکال به نظر رسید.

اضافه کنیم که اطلاق لفظ مشاور حقوقی، گامی به سوی شناسایی و ترویج فرهنگ مشاوره و اصل بودن مشاوره و فرع بودن و کالت بوده و البته تفکر حاکم بر این دو مقوله یعنی و کالت و مشاوره حقوقی، در گذشته و امروز تفاوت‌هایی پیدا نموده به طوری که همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، لفظ مشاوره حقوقی و استفاده از این عنوان، همواره با احتیاط ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گرفته است.

ب: مطالعه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷:

متن آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. وف.ج.ا.ا. مصوب ریاست قوه قضائیه در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی (شماره ۱۶۳۴۴ مورخ ۸۰/۱/۲۳) منتشر گردیده است.

آیین‌نامه مرقوم مشتمل بر ۲۵ ماده و ۹ تبصره، رؤوس نکات ذیل را مورد توجه قرار داده است:

الف: تشکیلات، ب: شرایط متقاضیان، پ: مدارک و نحوه درخواست، ت: نحوه رسیدگی، انتخاب و آموزش.

ماده یک آیین‌نامه ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. مقرر می‌دارد: «انجام امور مربوط به اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حوزه معاونت قضایی قوه قضائیه محول می‌گردد که طبق مقررات این آیین‌نامه اقدام نماید».

به نظر می‌رسد، ماده ۱ فوق مطلق اعطای پروانه و کالت و مشاوره حقوقی را مد نظر قرار داده و استنباطی را که در سطور پیشین در مورد توقف کلیه قوانین و مقررات مغایر بیان گردیده تقویت می‌نماید. ماده (۲) آ.ا. ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. هیأتی مرکب از معاون قضایی رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس هیأت) و مدیر کل آموزش و مدیر کل گزینش و استخدام قوه قضائیه به علاوه دو یا سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالی‌رتبه با تعیین رئیس قوه قضائیه را مأمور بررسی و صلاحیت متقاضیان تأسیس مؤسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی نموده و در همان ماده وظایف هیأت را به تفصیل بر شمرده است.

از لحاظ اتخاذ تصمیم هیأت، ذکر تعداد اعضا اهمیت ویژه‌ای دارد ولی ظاهراً تعداد اعضای هیأت بسته به نظر ریاست قوه قضائیه خواهد بود و پرسشی که باقی خواهد ماند آن است که در صورت زوج بودن تعداد اعضا و اختلاف نظر آنان در موضوعی خاص، مثلاً چگونگی اعطای پروانه به متقاضی، رأی‌گیری و اتخاذ تصمیم چگونه خواهد بود. اصلح بودن و تعداد نفرات به طور مشخص و معین بیان شود (بند «و» ماده ۲ اجازه تعیین تکلیف برای سایر موارد ضروری را که در این آیین‌نامه مسکوت مانده به هیأت اعطا نموده است).

در ماده ۸ آ.ا. مورد بحث، از امتحان کتبی برای متقاضیان گفت و گو شده که برای ارزیابی میزان دانش متقاضیان امری ضروری است.

ماده پانزدهم آ.ا. از لزوم طی دوره کارآموزی شش ماهه صحبت به میان آورده که برابر تبصره یک همان ماده «حسن اخلاق کارآموز» و «عملکرد» وی در دوره کارآموزی نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

نکته قابل توجه دیگر، مفاد ماده ۱۹ آ.ا. ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. می‌باشد. به موجب این ماده: «مؤسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که پروانه صادره درج شده است دایر شود، و نمی‌توان عملاً فعالیت آنرا در محل دیگری متمرکز نمود. در غیر این صورت، پروانه صادره ابطال می‌گردد، مگر این که در خصوص تغییر محل، قبلاً موافقت هیأت مذکور در ماده ۲

کسب شده باشد» و تبصره ماده ۱۹ آ.ا. ماده ۱۸۷ می گوید: «مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای دیگر به عنوان وکیل نمی باشد». عبارت مذکور در تبصره، برخلاف مقرراتی که در خصوص وکلای دادگستری عضو کانونهای وکلا تصویب گردیده^۱، دارندگان مجوز مؤسسات مشاوره حقوقی را محدود و مضیق نساخته و از حیث دسترسی کامل موکلان و مراجعان به مؤسسات مشاوره حقوقی، حقوق قانونی اشخاص ذی نفع را به طور کامل ملحوظ نظر قرار داده است.

در ماده ۲۲ آ.ا. ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. مشاوران حقوقی موضوع این آیین نامه به مدت ۲ سال پس از اخذ پروانه مشاور حقوقی پایه ۲ لقب می گیرند و صرفاً حق حضور در محاکم کیفری را که به جرایم مستوجب تعزیر رسیدگی می کنند، خواهند داشت. و در مورد دعاوی حقوقی به دعاوی که خواسته دعوی کمتر از ۱۰۰ میلیون ریال است یا خواسته دعوی غیرمالی است، رسیدگی خواهند کرد. پس از انقضای دو سال مقرر در آیین نامه و به شرط نداشتن تخلف، پروانه مشاوره به پایه یک ارتقا می یابد و در صورت اخیر، دارندگان پروانه پایه یک حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی، کیفری و غیره را دارند.

تبصره این ماده، ارائه «مشاوره حقوقی» را در مورد تمامی پروندهها با هر خواسته و موضوعی که باشد بلامانع دانسته و صرفاً استفاده از عنوان وکیل را در پروندهها مجاز نمی داند (مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۲).

به نظر می رسد در تدوین این ماده، رعایت مسأله لزوم کسب تجربه عملی مورد نظر نویسندگان آیین نامه بوده است و انجام عمل وکالت را مستلزم طی یک دوره زمانی دانسته ولی ارائه مشاوره را که بدون دخالت مستقیم در پرونده باشد، نیازمند به گذشت زمان ویژه ای ندانسته است.

۱. تبصره ۱ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد:

«ادامه وکالت در پروندههایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون وکلای متبوع، وکالت از خویشاوندان تا درجه سوم از شمول این ماده مستثنی است در صورتی که حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است».

از نکات قابل تعمق دیگر تبصره سوم ماده ۲۲ آ.ا. ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا و فرهنگی ج.ا.ا. می‌باشد: تخصصی شدن نحوه ارائه خدمات حقوقی. به موجب این تبصره: «آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا می‌باشند، می‌توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته‌ای که در آن رشته مدرک تحصیلی خود را اخذ کرده‌اند بنمایند...».

و سرانجام ماده ۲۴ آ.ا. ماده ۱۸۷ ق.ب.ت.ا.ا. و ف.ج.ا.ا. موارد تخلف مشاوران حقوقی را همان موارد تخلف و کلا و مرجع اعمال تنبیهات را هیأت موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه اعلام داشته است که از لحاظ حقوقی، به دو جهت واجد اشکال به نظر می‌رسد: نخست این که آیین‌نامه قاعدتاً نمی‌تواند مجازاتها و مرجع اعمال مجازاتها را بدون وجود قانون معین دارد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) و دوم این که ایراد قبلی مطروحه مبنی بر لزوم ذکر دقیق تعداد اعضای هیأت به قوت خود باقی خواهد بود، خاصه آن که آرای اعضا دچار تشتت و اختلاف گردد.

اهم مسائل حقوقی مندرج در آیین‌نامه نکاتی بود که در سطور قبلی بدانها اشاره گشت و از ذکر موضوعات دیگر^۱ نظیر لزوم اتیان سوگند پیش از دریافت پروانه مشاوره (ماده ۱۷) تعیین تعرفه حق‌الوکاله و حق‌المشاوره (ماده ۲۳) و ... خودداری می‌گردد.

۱. در خصوص تعیین تکلیف رابطه استخدامی افرادی که به عنوان ابواب دفتری مؤسسات مشاوره حقوقی به فعالیت خواهد پرداخت نظر منشی، تلفنچی، نامه‌رسان و ... آیین‌نامه، تصریحی ندارد. لکن، با عنایت به قانون اخیرالتصویب معافیت کارگانهایی که تا پنج نفر کارگر دارند از شمول قانون کار تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی و این که اساساً اصل شمول قانون کار بوده و عدم شمول قانون کار استثنا بر اصل محسوب می‌گردد، موضوع روشن است و شمول یا عدم شمول قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نسبت به این قبیل افراد که در مؤسسات مشاوره حقوقی به کار مشغول خواهند شد بسته به تعداد نظرات مؤسسه (کارگاه) خواهد بود. درباره شمول یا عدم شمول قانون کار نسبت به حرفه‌ها و مشاغل مختلف مطالعه پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی به قلم آقای رضا پرستش با موضوع «در موارد شمول قانون کار و مفهوم کارگر» در سال تحصیلی ۷۵-۷۴ که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و به راهنمایی آقای دکتر سید عزت ... عراقی و مشاوره آقای دکتر سید فضل ... موسوی و آقای دکتر محمد جواد رضائی زاده برواتی نگاشته شده است، مفید خواهد بود.

نتیجه گیری

از جمیع نکات پیش گفته چند موضوع اساسی قابل استنتاج به نظر می‌رسد:

الف: توسعه اجتماعات، توسعه نیازها را به دنبال دارد؛ ضرورتها و نیازهای گوناگون اجتماعی مستلزم دقیق اندیشیدن و چاره‌اندیشی به هنگام است.

ب: ترسیم آینده‌ای بهتر از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، انتخاب بهترین مسیر، به اراده‌ی ما وابسته است. اراده‌ای که در آن حزم، منطق و عدالت مبنای حرکت و جهت‌گیری قرار گیرد.

پ: نه تنها فارغ‌التحصیلان حقوق، بلکه شمار زیادی از جوانان این مرزوبوم درباره‌ی موضوع اشتغال دغدغه‌هایی دارند. آنان بدین می‌اندیشند که امرار معاش، و یافتن شغلی مناسب از وظایف دولت است و هم اوست که باید برای رفع این مشکل گامهای سریعی بردارد. لکن، برای انجام این خواسته بسترسازی فرهنگی برای تشویق آحاد مردم جویای کار به کار و تلاش بیشتر سعی امیدوارانه برای رسیدن به خواسته‌های مشروع، بیش از هر زمان دیگری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اقدام رسانه‌های جمعی در شاداب‌تر نگه داشتن نسل جوان و افراد جویای کار در این میان از هر عامل دیگری کارا تر و مفیدتر خواهد بود.

ت: در این زمینه خاص - یعنی اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق - پاره‌ای موضوعات قابل تعمق است:

(۱): اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق، ضرورتی است که کتمان‌ناپذیر است و باید چاره‌ای درازمدت اندیشیده می‌شد ولی اختلاط این موضوع ضروری با نظارتها و اقدامات مؤثری که کانونهای و کلا درباب تحکیم نهاد و کالت به معنای مصطلح امروز می‌توانند به انجام رسانند، کمی شتاب‌آمیز به نظر می‌آید.

(۲): اینک که طرح جدیدی در جریان اقدام قرار گرفته و مجوزهای قانونی آن از سوی مراجع ذیصلاح صادر گردیده هر گونه پیش‌داوری درباب نتایج آن، کارساز نخواهد بود. باید با یک نگاه علمی دقیق تمامی جوانب مختلف امر را به کمک آمارهای

دقیق استخراج و سپس مبادرت به قضاوت نمود. چه به یکباره تاختن به چنین متن قانونی، دور از صواب به نظر می‌رسد.

ضمن این که، برخی موارد جدید (همچون تخصصی شدن و کالت و مشاوره حقوقی) از جمله مسائلی است که کانونهای وکلای دادگستری بایستی در زمینه تدوین مقررات اصلاحی جدیدت بیشتری مبذول می‌نمودند و برداشتن گامهایی در راستای اصلاح قوانین مربوطه دور از انتظار نبوده و با اصول حاکم بر حقوق عمومی سازگارتر به نظر می‌رسد.

در ختام این مبحث اضافه و یادآوری می‌کنیم که اولاً پیش‌بینی می‌شود با افزایش تعداد مؤسساتی که اجازه فعالیت را در آینده از قوه قضائیه بگیرند، کانونهای این مؤسسات با شروع فعالیت خود موقعیت مستحکم کانونهای وکلای دادگستری را در معرض مخاطره قرار دهند و ثانیاً با توجه به این که چنین مؤسساتی عملاً سابقه فعالیت و دخالت در امور و کالت را به مثابه وکلای دادگستری عضو کانون و کلا نداشته‌اند، پاره‌ای از ابهامات مربوط به این مؤسسات باید با کمک قواعد حاکم بر حقوق خارجی، حل و فصل و روشن شود.

در خاتمه یادآوری این مطلب ضروری است که بنا به آخرین اخباری که در رسانه‌ها اعلام شده در حال حاضر (۱۳۸۰) متن ماده ۱۸۷، به دلیل پیشنهاد نمایندگان مجلس، مبنی بر طرح حذف ماده یادشده که با مخالفت شورای نگهبان به دلیل تعارض آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شده، در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد و از سوی دیگر، به دلیل اینکه قانوناً ماده مرقوم هنوز قوت و اعتبار اجرایی دارد، هیأت اجرایی ماده ۱۸۷ ضمن برگزاری آزمون علمی و مصاحبه حضوری از داوطلبان، پروانه مشاوره حقوقی را برای گروهی از اعضای هیأت علمی دانشگاهها صادر کرده است.^۱

۱. ر. ک به: روزنامه خراسان، شماره ۱۵۸۹، مورخ دوشنبه ۱۳۸۰/۱۱/۱، صفحه ۷ و این خبر که: «مراسم تحلیف پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی برگزار شد» و نیز ر. ک. به: هفته نامه بازار کار، شماره ۵۱، مورخ ۸۰/۱۱/۱۳، ص ۱۱.

منابع

۱: کتب:

- السنهوری، عبدالرزاق محمد: «عقد وکالت از کتاب الوسیط»، ترجمه دکتر حسینقلی حسینی نژاد، چاپ اول، انتشارات میزان، زمستان ۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر: دانشنامه حقوقی، جلد پنجم، انتشارات مؤسسه امیرکبیر، تهران ۱۳۷۶.
- -----، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، چاپ اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، امیرناصر: قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی (جلد دوم)، انتشارات مجمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵.

۲: سایر منابع:

- آقازاده رودسری، «کانون و کلا، استیلاء یا استقلال»، روزنامه همشهری، شماره ۲۲۹۳، سال نهم، مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۴.
- پرستش، رضا: موارد شمول قانون کار و مفهوم کارگر، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، سال ۷۴-۷۳، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- حسینی راد، عزت‌الله: «فهرست مقالات مجله کانون و کلا ۱۵۳-۱»، نشر حسینی راد با همکاری سازمان طرح و اجرای کتاب، چاپ اول، بهار ۱۳۷۱.
- رازانی، بهمن: «آیا استعلام بقای و کالت ضروری است»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، سال چهل و دوم، شماره پنج، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
- زاخری، زین‌العابدین: «استقلال کانون و کلا و لایحه برنامه سوم توسعه»، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۷۶، مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۷.
- روزنامه قدس، مورخ چهارشنبه ۱۳۸۰/۱/۲۲، سال چهاردهم، شماره ۳۸۲۲.
- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۷۵.
- مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۳، فروردین ماه ۱۳۸۰.
- هفته نامه بازار کار، شماره ۵۱، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۳ و شماره ۳۷، مورخ شنبه ۱۳۸۰-۸/۵.

۳: قوانین:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی.
- مجموعه قوانین برنامه اول و دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- مجموعه قوانین حقوقی.
- مجموعه قوانین کار و تأمین اجتماعی.